



مقایسه‌ای بین

رسم الفظ مصحف

9

نقوش قدیم عربی

ترجمه: حسین علی‌تقیان^۱

مقدمه

تحقیق پیرامون نگارش عربی، شامل دو مقوله می‌شود: یکی مقوله بررسی هنری و زیباشناختی خط، که به جنبه‌های ظاهری و شکلی و ذوقی حروف و خوشنویسی آن می‌پردازد و انواع خطوط عربی همچو کوفی و نسخ را مورد بررسی قرار می‌دهد. و دیگری مقوله زبان‌شناختی خط است که به بررسی رابطه بین نشانه نوشتاری و آوای گفتاری و بیان میزان همخوانی آن دو و نیز بررسی کاستی‌های کتابت نسبت به آواهای گفتاری می‌پردازد. مقوله اول را غالباً علم خط و مقوله دوم را علم املاء (نگارش) می‌نامند که در قدیم همچنین به علم «هجا» نامیده می‌شده است.

مقاله حاضر به بررسی تاریخی-زبانی کتابت عربی از طریق تتبع در متون قدیمی و شناخت پدیده‌های کتابتی آن متون می‌پردازد، که در رسم الخط مصحف (که خود به شیوه املائی خاصی متمایز است) جلوه‌گر شده است. همچنین مقایسه‌ای بین نظام نگارشی خاص و نقوش عربی مکتوب بر سنگ که تاریخ آن همزمان با نگارش مصحف بوده صورت گرفته است. این بدین جهت است که میزان ارتباط بین نظام املائی به کار رفته در نگارش

مصحف (قرآن) و نظام املائی به کار رفته در نقوش عربی مشخص گردد.

این مقاله همچنین به بیان موقعیت رسم الخط مصحف در تاریخ تطور کتابت عربی می‌پردازد و در این راستا بر این حقیقت است که رسم الخط مصحف در زمان نگارش مصحف، حامل ویژگیهای املائی عربی بوده است، و متون عربی که در آن برهه نگارش یافته‌اند همان ویژگی‌های نگارشی رسم الخط مصحف را دارا هستند. این مسئله از نقوش عربی‌ای که برخی از آن‌ها پیش از دوره اسلامی و برخی دیگر در سال‌های نزدیک به عصر کتابت مصحف، نگارش یافته‌اند نیز ثابت می‌گردد.

پیوند دادن رسم الخط مصحف و متون دیگر عربی که همزمان با کتابت مصاحف نگارش یافته‌اند، در فهم پدیده‌های املائی مخصوص رسم الخط مصحف و ارتباط این رسم الخط با کتابت واقعی آن زمان به ما کمک خواهد کرد. چنان که این پیوند می‌تواند ما را در دریافت اصول تاریخی بسیاری از ویژگی‌های خط عربی که مورد استفاده ما در حال حاضر و قرن‌ها قبل از ما بوده یاری دهد. اما دانشمندان متقدم عربی هنگامی که از رسم الخط مصحف یاد می‌کردند، همواره بر این تأکید داشتند که باید به کتابت مصاحف التزام و تعهد داشت اما این شیوه کتابت را نمی‌توان با چیزی قیاس کرد. به عبارتی این رسم الخط در مورد غیر از قرآن، کاربردی ندارد. مثلاً ابن درستویه (عبدالله بن جعفر ۳۴۷ هـ) در کتاب الکتاب آورده:

کتاب خداوند عز و جل را اینگونه یافتیم که هجایش قابل مقایسه نیست و نمی‌توان با خط آن مخالفت کرد و اما آنچه در مصحف آمده باید مورد پذیرش قرار گیرد^۲

سیوطی (ت ۹۱۱ هـ) نیز در کتابش (همع الهوامع) از ابن درستویه نقل کرده که او گفته:

دو خط است که قابل مقایسه با خط دیگری نیستند: خط مصحف و عروض^۳. نهایت امر علمای عربیت قائل به وجود سه نظام کتابتی در زبان عربی بوده‌اند چنانکه ابو حیان اندلسی (محمد بن یوسف ت ۷۵۴ هـ) گفته:

در کتابت سه اصطلاح وجود دارد: اصطلاح عروض، اصطلاح کتابت مصحف، اصطلاح کاتبان به شیوه‌ای غیر از این دو.^۴

این تقسیم بندی در ظاهر، صرفاً با واقعیت کتابت همخوانی دارد چه رسم الخط مصحف بیانگر مرحله ای از تاریخ نگارش عربی بوده، نه شیوه و سبکی مستقل و در این عرصه تمامی مکتوبات عربی همزمان با آن دوره، در شیوه نگارش، با رسم الخط مصحف هم سبک بوده اند.

مبحث اول

رسم الخط مصحف: اصول تاریخی و روش و سبک نگارشی آن

مفهوم عبارت (رسم المصحف)، شیوه نگارش کلمات قرآن کریم در مصحف / عثمانی / یعنی همان چیزی که اصحاب پیامبر (ص) به نگارش در آوردند می باشد. شکل شایع و معروف مصحف و شیوه نگارش کلمات به دوران خلیفه سوم راشد، عثمان بن عفان رضی الله عنه بر می گردد. گرچه کتابت قرآن در زمان پیامبر (ص) به اتمام رسیده بود. پیامبر خدا (ص) نسبت به نوشتن قرآن اهتمام داشت. ابزار نگارش در بلاد حجاز آن روزگار تا حد زیادی ابتدایی بود اما این موضوع، پیامبر (ص) را از نوشتن قرآن منصرف ننمود. زیرا به اهمیت زیادی که نوشتن قرآن در نگاه داری متن آن داشت پی برده بود. اما رسول خدا (ص) قرآن را به دست خودش ننوشت بلکه در این کار از تعدادی از یاران خود که در نوشتن مهارت داشتند یعنی همان هایی که به کتاب وحی خوانده شدند، کمک گرفت. ^۵ زید بن ثابت انصاری در حیات پیامبر خدا (ص) صحابه را به نوشتن قرآن، و امی داشت ^۶ و پیامبر به هنگام نزول وحی می فرمود: «زید را به نزد من فرا خوانید؛ کاغذ و دوات را بیاورید» ^۷. زید بن ثابت گفته: «من همسایه پیامبر خدا (ص) بودم. وقتی وحی نازل می شد، به دنبال می فرستاد و من وحی / قرآن را می نوشتم» ^۸.

در کتب حدیث آمده که رسول خدا (ص) به هنگام نزول وحی، برای نوشتن آن، تعدادی از افراد را فرا می خوانده و امر به کتابت می کردند و می گفتند: این آیات را در فلان سوره قرار دهید. ^۹

و بدین ترتیب نوشتن قرآن پس از نزول آن پایان یافت اما در قالب قطعات پراکنده و نه در یک کتاب. طبری در تفسیرش از قول محدث بزرگ تابعی، محمد بن شهاب زهری (ت ۱۲۵ هـ) آورده: «پیامبر خدا (ص) وفات یافت در حالی که قرآن یک جا جمع نشده بود

بلکه در شاخه‌ها و برگ‌های خرما بود».^{۱۰}

پاره‌ای از مورخین و محدثین؛ روایتی را ذکر کرده‌اند که از آن می‌توان میزان اهتمام و توجه پیامبر خدا(ص) را نسبت به نوشتن قرآن و ضبط و نگهداری تمامی آنچه کاتبان وحی می‌نوشتند، دریافت. در این روایت از زید بن ثابت نقل است که او گفت:

در حضور پیامبر خدا(ص) وحی را می‌نوشتیم و ایشان بر من املا می‌کرد وقتی از نوشتن آن فارغ می‌شدم می‌گفت: بخوان و من می‌خواندم آنگاه چنانچه افتادگی داشت آن را اصلاح می‌کرد و سپس به مردم عرضه می‌داشت.^{۱۱}

جمع قرآن در صفحاتی منظم و در بین دو لوح یا جلد به صورت یک کتاب، پس از مدت کوتاهی کم‌تر از یک سال از وفات پیامبر(ص) صورت پذیرفت. در دوران خلافت ابو بکر صدیق رضی الله عنه جنگ‌های رده رخ داد، جنگ‌هایی که به ورود تمامی مردم جزیره العرب به اسلام منتهی شد. در این عرصه‌ها، تعدادی از یاران پیامبر(ص) به شهادت رسیدند. جنگ یمامه از بزرگترین و پرخطرترین جنگ‌های رده بود که بهای پیروزی آن، به شهادت رسیدن صدها نفر از یاران بود که در میان ایشان حدود پنجاه نفر از حاملان قرآن قرار داشتند.^{۱۲} پس از اینکه مسلمین گرفتار جنگ یمامه شدند، ابوبکر به طرف قرآن شتافت و ترسید که گروهی، قرآن را ضایع و از میان بردارند ولذا با همیاری مردم قرآن در زمان حکومت او جمع شد.^{۱۳}

زید بن ثابت - کاتب وحی - که وظیفه بزرگ جمع قرآن بر دوشش بود این چنین می‌گوید:

من به عمر گفتم: چگونه دست به انجام کاری می‌زنی که رسول خدا(ص) آن را انجام نداد؟ عمر گفت: به خدا قسم این کار خوبی است؛ و از آن پس عمر همواره نزد من آمد تا اینکه خداوند شرح صدر عنایت فرمود و من هم رای عمر شدم. صحیفه‌هایی که قرآن در آن جمع شده بود تا وفات ابو بکر نزدش بود سپس به دست عمر افتاد و پس از فوت او نزد حفصه دختر عمر قرار گرفت...^{۱۴}

پس از گذشت پانزده سال از جمع قرآن در صحیفه‌ها، برخی از صحابه، از مصحف، تعدادی نسخه برداری کرده و به شهرهای اسلامی خارج از مدینه منوره ارسال کردند تا مردم قرآنهای خود را بر اساس این نسخه‌ها، بنویسند. در خلافت عثمان بن عفان و فتح بلاد

مسلمین و ازدیاد مسلمانان، نشانه‌های اختلاف در قرائت قرآن کریم نمایان شد به نحویکه علمای صحابه و والیان امر برآشفتنند. خلیفه نیز چاره‌ای نداشت از اینکه دستور داد از مصاحف نسخه برداری شده و آنها را در شهرها بفرستند تا مصاحفی که در بین مردم تداول بود از لحاظ ترکیب و رسم الخط یکسان شوند.

روایت قدیمی در مورد نسخه برداری مصاحف، چنانچه نجاری و غیر از او از محدثین و مورخین نقل کرده‌اند بدین قرار است که انس بن مالک، همدم و خادم پیامبر خدا گفته: «حذیفه بن یمان نزد عثمان رفت و این در حالی بود که اهل شام در فتح ارمنستان و آذربایجان با اهل عراق به نبرد بودند.» حذیفه از اختلاف آنها در قرائت قرآن، بیم داشت. لذا به عثمان می‌گوید: ای امیرمؤمنین، این امت را قبل از آن که به مانند یهود و نصارا در کتاب خدا اختلاف کنند، دریاب! به دنبال، عثمان کسی را به نزد حفصه فرستاد تا صحیفه‌ها را برای وی ارسال کنند. حفصه نیز صحیفه‌ها را برای عثمان فرستاد. آنگاه عثمان، زید بن ثابت، عبد الله بن زبیر، سعید بن عاص و عبد الرحمن بن حارث بن هشام را مأمور کرد که آنها را در مصحف‌ها نسخه برداری کنند و عثمان به گروه سه نفری قریش دستور داد که اگر شما با زید بن ثابت در چیزی از قرآن اختلاف کردید آن را به لهجه قریش بنویسید چرا که قرآن به لهجه آنها نازل شده است. و آنها نیز چنین کردند. هنگامی که صحیفه‌ها را در مصاحف نسخه برداری کردند، عثمان آن صحیفه‌ها را به حفصه بازگرداند و به هر منطقه یک مصحف نسخه برداری شده ارسال کرد و دستور داد به غیر از این نسخه‌ها تمامی صحیفه‌ها و یا مصاحف دیگر را بسوزانند».^{۱۵}

مسلمانان همواره به حفظ و صیانت از رسم الخط کلمات در این مصحف کوشا بودند با وجودی که این رسم الخط بعضاً با قواعد املائی ای که علمای عربیت پس از آن تدوین و شناساندند مخالفت داشت. از امام مالک بن انس (ت ۱۷۹ هـ) پرسیدند: «آیا دیده‌ای که امروزه کسی قرآن را به شیوه هجایی کنونی بنویسد؟ مالک می‌گوید: چنین چیزی ندیده‌ام و بلکه قرآن به شیوه کاتبان اولیه نگاشته می‌شود». ابو عمرو و دانی گفته: علمای عربیت، با رسم الخط آن مخالفتی ندارند.^{۱۶}

با وجود مواظبتی که مسلمانان به هنگام کتابت قرآن در مورد رسم الخط عثمانی می‌نمودند، بسیاری از دانشمندان، آثار مخصوصی را برای توصیف شیوه نوشتن کلمات

در مصاحف عثمانی از آغاز عصر تدوین علوم اسلامی از خود به یادگار گذاشتند.^{۱۷} شاید از مشهورترین این دست آثار کتاب *المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الامصار*، اثر ابوعمر و عثمان بن سعید دانی اندلسی (ت ۴۴۴هـ) بوده است.^{۱۸}

محقق امروزی از طریق دو منبع می تواند صورت رسم الخط کلمات در مصاحف عثمانی را دریابد، اول مصحف های قدیمی ای که برخی از کتابخانه های دنیا نسخه هائی از آن را نگاهداری می نمایند. دوم کتب تألیف یافته در موضوع رسم الخط مصحف. این کتاب ها وصف دقیق و مشبعی را از شیوه نگارش کلمات در مصاحف اولیه به دست می دهند و بر پایه دیدن و مشاهده مستقیم در مصاحف بنا شده اند. مقصود از ذکر مطالب یاد شده این است که معلوم گردد که سابقه رسم الخط کلمات در مصاحف عثمانی به آنچه در صحیفه های جمع آوری شده در خلافت ابو بکر آمده باز می گردد و این صحیفه ها همانی است که به صورت مکتوب نزد پیامبر (ص) موجود بوده است. این رسم الخط، نمایانگر کتابت عربی در عصر ظهور اسلام بوده و ویژگی های آن شیوه را به همراه دارد. که این مطلب را به زودی با مقایسه بین این رسم الخط و مکتوبات قدیم عربی توضیح می دهم. اما قبل از این، ویژگیهای املائی رسم الخط مصحف را بیان می کنم.

(مطلب دوم: ویژگیهای املائی در رسم الخط مصحف)

مؤلفین در رسم الخط مصحف در توصیف هجای کلمات در رسم الخط عثمانی دو شیوه داشته اند، یکی شیوه جمع آوری مثالهای مشابه در یک موضوع واحد در قالب فصلی مشخص. با این روش، یک کتاب شامل تعدادی از فصولی که حاوی تمامی وجوه رسم الخط است تألیف می شود. از جمله کتاب هایی که به این روش تألیف یافته کتاب (هجاء مصاحف الامصار)^{۱۹} از ابوالعباس احمد بن عمار مهدوی (ت بعد از ۴۳۰هـ) و کتاب (البدیع فی معرفة ما رسم فی مصحف عثمان بن عفان)^{۲۰} از ابو عبد الله محمد بن یوسف بن معاذ جهنی (ت در حدود ۴۴۲هـ) و کتاب (المقنع فی معرفة مرسوم مصاحف اهل الامصار)^{۲۱} اثر ابوعمر و عثمان بن سعید دانی (ت ۴۴۴هـ) را می توان نام برد.

شیوه دوم جستجو و تتبع در کلماتی است که با گفتار مطابقت ندارد. این کلمات براساس جایگاه آنها در سوره ها مرتب شده اند. کتابی که به این شیوه تألیف می شود

براساس سوره‌ها و به ترتیب مصحف عثمانی، باب بندی می‌شود. مشهورترین کتابهایی که بر این شیوه هستند کتاب (التنزیل فی هجاء المصاحف).^{۲۲} اثر ابو داوود سلیمان بن نجاح (ت ۴۹۶هـ) می‌باشد.

برخی از دانشمندان شناخت رسم الخط مصحف را منوط بر شناخت پنج نوع یا پنج فصل دانسته‌اند. این پنج فصل را ابن وثیق اندلسی (ابراهیم بن محمد بن عبد الرحمن ت ۶۵۴هـ) چنین بیان داشت:

بدان - خدا توفیقت دهد - که رسم مصحف، نیازمند شناخت پنج فصل است که مدار و اصل می‌باشند:

اول: چیزهایی که در قرآن حذف شده است.

دوم: چیزهایی که با زیادت آمده‌اند.

سوم: چیزهایی که به صورت قلب حرفی به حرف دیگر آمده است.

چهارم: احکام همزه‌ها

پنجم: چیزهایی که به صورت قطع و وصل آمده است.^{۲۳}

به زودی از کتب رسم مصحف مثال‌هایی در هر یک از انواع پنجگانه نقل می‌کنم آن‌گاه به بررسی صفحه‌ای از مصاحف قدیمی می‌پردازم و مثال‌هایی که با آن‌چه در کتب رسم مصحف آمده مطابقت می‌کند، خواهم آورد تا برای خواننده دلیلی باشد بر صدق گفتار دانشمندانی که به توصیف شیوه نگارش کلمات در مصاحف قدیمی پرداخته‌اند.

اول: مثال‌هایی که در رسم مصحف در آنها حذف رخ داده:

کلماتی که چیزی از آن‌ها حذف شده، پدیده حذف تماماً شامل یکی از حروف سه‌گانه مدی (الف - واو - یاء) آن‌ها می‌شود. از جمله کلماتی که الف آن‌ها حذف شده یاء ندائی است که به اسم بعدی خود متصل باشد مانند:

(یقوم = یاقوم)، و (یرب = یارب) و (یانوح = ینوح) و (یأیها = یا ایها) و مانند این مثالها که زیاد مشاهده می‌شوند. از جمله کلمات محذوف الالف‌های تنبیه است مثل: (هذا = هاذا) و (هذان = هاذان) همچنین کلمه مثنای مرفوع را بدون الف نوشته‌اند مثل: (رجلن = رجلان) و (یحکمن = یحکمان) و نیز جمع سالم مذکر و مؤنثی که زیاد آمده‌اند مثل: (العلمین =

العالمین) و (الصبرین = الصابرين) و (المسلمت = المسلمات) و (الظلمت = الظلمات).
 از دیگر موارد حذف، حذف الف نون جمع هنگامی که ضمیری به آن متصل باشد
 است مثل: (علمنه = علمناه) و (ارسلنک = ارسلناک) مثالهای زیاد دیگری که الف در
 آن‌ها نوشته نشده است که ذکر آنها به طول می انجامد و برای اطلاع از آنها می بایست به
 کتب رسم المصحف مراجعه کرد.^{۲۴}

یاء (کسره بلند) در کلماتی چون (الداع = الداعی) و (المهتد = المهتدی) و (سوف
 یؤت الله = سوف یؤتی الله) و (فارهیون = فارهیونی) و (اطیعون = اطیعونی) و (النبین =
 النبیین) و (الامین = الامیین) حذف گردیده است.^{۲۵}
 واو (ضمه بلند) در کلماتی چون (ویدع الانس = ویدعوا الانس)، و (یمح الله = یمحو
 الله) و (یستون = یستونون) و (الغاون = الغاؤون) و (داود = داوود).^{۲۶} حذف شده است.

دوم: مثال‌هایی که در رسم مصحف در آنها زیادت رخ داده:

حروفی که در نگارش به صورت اضافی می آیند، الف واو و یاء هستند. از موارد افزایش
 الف آخر کلماتی است که به واو ختم می شوند، خواه اسم باشد خواه فعل. مثل (یدعوا =
 یدعو) و (ءامنو = ءامنو) و (کاشفوا العذاب = کاشفوا العذاب). و نیز الف در کلماتی چون
 (مائة = مئة) و (لأوضعوا = لأوضعو).^{۲۷}

حرف واو به تعدادی از کلمات اضافه شده مانند (اولئک = الاثک) و (اولوا = الوا) و
 (سأوریکم = سأوریکم).^{۲۸}

حرف یاء نیز به تعدادی از کلمات اضافه شده مثل: (افأین = افان) و (من نبأی = من
 نبأ) و (تلقای = تلقاء) و (بأید = بأید) و (بأیکم = بأیکم).^{۲۹}

سوم: کلماتی که در رسم مصحف، حرفی از آن به حرف دیگری قلب شده:

از جمله نوشتن واو به جای الف در مثل (الصلوة = الصلاة) و (الزکوة = الزکاة) و نوشتن
 یا به جای الف در مثل (أتی = اتا) و (علی = علا) (الضحی = الضحاحا) و (الذکری =
 الذکرا) از مثالهای دیگر در این باب نوشتن تاء تانیث به صورت تاء گرد و کشیده (هاء)؛
 مانند (رحمة - رحمت) و (نعمة - نعمت) و (کلمة = کلمت) و (معصية - معصیت).^{۳۰}

چهارم: کلمات همزه دار در رسم مصحف:

نوشتن همزه، حکام زیادی دارد که علمای رسم مصحف آنها را تفصیل داده اند. این احکام بر قیاس و قاعده جاری است، جز کلمات معدودی که بر خلاف قیاس آمده اند مثل:

(الضعفوا = الضعفاء) و (الملوا = الملا) و (نشوا = نشاء) و (يعبوا = يعبا) و (نبوا = نبأ) و (افین = افان) و (اولئک = ألأئک) و (ایتائی = ایتاء) و غیر ذلک.^{۳۱}

پنجم: کلماتی که در رسم مصحف به صورت پیوسته یا ناپیوسته آمده اند:

در نوشتن، اصل این است که هر کلمه جدای از ما بعد خود نوشته شود. اما کلماتی دارای حروف کم هستند که در رسم مصحف هم به صورت پیوسته و هم جدا نوشته شده اند از جمله: (ان لا - لا) و (من ما - مما) و (عن ما - عما) و (فی ما - فیما) و (لکی لا - لکیلا) و (کل ما - کلما) و مانند آن.^{۳۲}

این خلاصه موجزی بود از پدیده‌های املائی ای که ویژه رسم مصحف اند. در این مقاله در صدد نیستم که اصول زبانشناختی این پدیده‌ها را تبیین کنم.^{۳۳} بلکه این پدیده‌ها را در میان متون نگارشی مربوط به دوران اولیه کتابت مصاحف، جستجو و بازیافت می‌کنم. در اینجا صفحه‌ای از مصحف‌های قدیمی را مورد بررسی قرار می‌دهم تا خواننده بر پاره‌ای پدیده‌های املائی ای که مثال‌های آنها را از کتب رسم مصحف در سطور پیش آوردم، وقوف یابد. در این بررسی کلماتی که در آنها گونه‌های املائی خاصی اعمال شده را با علامت کروش و براساس گفتار آن‌ها و بدون هیچ توضیحی مشخص کرده‌ام. چه مطمئن هستم که قاری، گونه املائی مورد نظر را از صورت مکتوب گفتاری ما بین کروش درخواهد یافت.

این نمونه، صفحه‌ای از مصحفی است قدیمی که با خط کوفی بر پوست نگاشته شده است و در کتابخانه مرقد امام علی رضی الله عنه در نجف نگاهداری می‌شود.^{۳۴} و شامل اواخر سوره طه و اوایل سوره انبیاء است و اینک عین کلمات آن ارائه می‌شود با این توضیح که نقطه‌های اعجام و نشانه‌های حرکات تماماً به متن اضافه شده است:

۱. من قبل از نذل و نخزی / نخزا/ قل كل متربص فتربصوا / فتربصو /
 ۲. فستعملون من أصحاب/ اصحاب/ الصراط السوى ومن
 ۳. اهتدى / اهتداء/ الانبياء، مائة و احدى عشرة. ۳۵
 ۴. بسم/ باسم/ الله الرحمن/ الرحمان/ الرحيم. اقترب للناس حسابهم.
 ۵. وهم فى غفلة معرضون ما ياتيهم من ذكر من.
 ۶. ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون لهية / لاهية /
 ۷. قلوبهم واسروا النجوى/ النجوا/ الذين ظلموا/ ظلموا/ هل
 ۸. هذا/ هاذا/ الا بشر مثلكم افتأتون السحر وانتم تبصر.
 ۹. ون قل/ قال/ ربي يعلم القول فى السماء والارض و
 ۱۰. هو السميع العليم بل قالوا/ قالو/ اضغث/ اضغاث/ احلم/ احلام/ بل.
 ۱۱. افتريه/ افتراه/ بل هو شاعر فليأتنا بأبيه / بأيه / كما أرسل أ-
 ۱۲. لاولون ماء امننت قبلهم من قرية اهلكنها/ اهلكنهاها/ أ-
 ۱۳. فهم يؤمنون وما ارسلنا قبلك الا رجلا/ رجالا/ نوحى.
 ۱۴. اليهم فستلوا/ فستلوا/ اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون.
 ۱۵. وما جعلنهم/ جعلناهم/ جسدا لا يأكلون الطعام وما كا-
 ۱۶. نوا/ كانوا/ خلدین/ خالدین/ ثم صدقنهم/ صدقناهم/ الوعد فانجينهم / فانجيناهم / ومن.
 ۱۷. نشاء واهلكتنا المسرفين انزلنا اليكم كتبا/ كتابا/
- کلماتی که بین کروشه ها آمده تماما از جمله مثالهایی است که شبیه آنها را از کتب رسم مصحف قبلاً نقل کردیم ولذا ضرورتی ندارد که توضیح بیشتری بدهم الا در مورد سطر ۱۱ که کلمه (باية) با دو ياء نوشته شده (بأيه). این روش در رسم مصحف شایع و معروف بوده است. در این رابطه قبلاً کلمه بأید را مثال زدیم. ۳۶ نیز در مورد اواخر سطرهای ۸- ۱۱- ۱۲- ۱۵ که کلمات بین سطرها از هم جدا شده اند باید گفت این پدیده در نگارش مصحف و نیز در مکتوبات قدیم عربی شایع بوده است و در این ارتباط در مقوله نقوش قدیم عربی و پدیده های املائی آن سخن خواهیم گفت.

ممکن است خواننده نسبت به وضعیت برخی از کلماتی که در صفحه یاد شده بین کروشها مشخص شده اند متعجب شود. این کلمات به گونه ای که امروز هم متداول اند نوشته شده اند از جمله بسم، الرحمن، هذا، علی، نجوی، ظلموا، ذلک و مانند آن. این دست از کلمات، خطشان با گفتارشان مطابقت ندارد و بیانگر میزان ارتباط املائی امروزی با رسم مصحف اند. و این کلمات بهترین شاهد برای این ارتباط هستند. تفصیل این مطلب در آخر مقاله و پس از بررسی نقوش قدیم عربی خواهد آمد.

مبحث دوم

نقوش قدیم عربی؛ تاریخ و قرائت آنها

پاره ای از محققین امروزی تحقیقاتی به عمل آورند که در آن اصل خط عربی و تاریخ تطور آن را در مراحل اولیه اش بررسی کرده و نهایتاً به این نتیجه رسیده اند که خط عربی، ترجیحاً را خط نبطی متأخر، گرفته شده است.^{۳۷} و ظهور خط عربی و جدا و متمایز شدن آن را خط نبطی در قرون اولیه پس از میلاد، رخ داده است. در اینجا ضروری نمی بینم که وارد جزئیات این موضوع شوم^{۳۸} چه مقصود ما همانا بررسی نقوش قدیم عربی و آگاهی به شیوه نگارش کلمات در آنها و آنگاه مقایسه آن شیوه با نگارش در مصحف خواهد بود. این نقوش را در قالب دو مجموعه بررسی می کنم: اول مجموعه ای شامل دو نقش عربی جاهلی و دوم شامل دو نقش دوران اولیه اسلامی.

مطلب اول: نقوش عربی جاهلی

پژوهشگران تعدادی از نقوش عربی ای که به قبل از اسلام بر می گردد در شمال جزیره العرب و اطراف بلاد شام کشف کرده اند. از این بین دو نقش را انتخاب می کنم و بقیه را رها می کنیم زیرا تاریخ آنها - جز نقش شماره - مورد تردید و نگارش آن محدود و غیر واضح است. نقوش مورد بررسی نقش جبل اسیس و نقش حران است.^{۳۹}

۱. نقش کوه اسیس:

گروهی آلمانی در حین جستجوی آثار باستانی در سوریه به تاریخ حزیران سال

۱۹۶۵ م به این نقش، در کوه اسیس واقع در منطقه ای که در ۱۰۵ کیلومتری جنوب شرقی دمشق دست یافتند. ۴۰

این نقش آخرین نقش عربی جاهلی است که کشف شده است. گرچه از لحاظ تاریخی، قدیم ترین آنها به حساب نمی آید. نیز برای بسیاری از محققین در تاریخ نگارش عربی به درستی شناخته نشده است^{۴۱} قرائت کلمات این نقش با حروف عربی امروزی بدین قرار است: ۴۲:

۱. ابراهیم بن مغیره الاوسی
۲. ارسلنی الحرث الملک علی
۳. سلیمان مسلحة سنت
۴. ۴۲۳ .

استاد سهیله جبوری اشاره داشته که تاریخ این نقش براساس تقویم بصری معادل سال ۵۲۸ میلادی است و (حارث) مذکور در نقش، همان حارث بن جبلة ای است که بر منذر سوم لخمی در سال ۵۲۸ م^{۴۳} پیروز شد. به نظر می رسد که ابراهیم بن مغیره اوسی یکی از اذنانب ملک حارث بوده است. در لسان العرب در مورد کلمه مسلحة آمده: مسلحة: قومی است که مرزها را از دشمن حفاظت می کنند. آنها را مسلحة نامیده اند زیرا دارای سلاح هستند. ۴۴

با وجودی که کلمات این نقش کم اند اما به صورت عربی خالص آمده و دارای معنی مشخص و واضح هستند. همچنان که به صورت حروف واضح عربی نگاشته شده اند. شاید مهم ترین مشخصات نگارش این متن:

۱. خالی بودنش از نقطه و علامت های حرکات؛
۲. حذف الف در وسط کلمه (مثل ابراهیم و حارث و سلیمان)؛
۳. نوشتن تاء تانیث به صورت ها در (مغیره و مسلحة) و به صورت تاء کشیده در کلمه (سنت) است.

۲. نقش حران:

گروهی از شرق شناسان در سال ۱۸۶۴م در حران / شرق لجا / واقع در منطقه شمال جبل دروز این نقش را کشف کردند. این نقش به یونانی و عربی و بر روی سنگی که بالای درب کنیسه ای قرار داشت نوشته شده است. تاریخ آن به سال ۵۶۸ میلادی باز می گردد. و اینک کلمات متن عربی:

۱. انا شر حیل بن ظلمو بنیت ذا المرطول

۲. سنت ۴۶۳ بعد مفسد

۳. خیبر

۴. بعم ۴۵

قرائت کامل متن بدین قرار است: (انا شر حیل بن ظالم، بنیت ذا المرطول / الکنیسه /، سنة ۴۶۳ / من تقویم بصری = ۵۶۸م /، بعد مفسد خیبر بعم)

مفسد خیبر اشاره به جنگی است که حارث بن ابن شمر - یکی از امرای بنی غسان - برپا کرده بود این نظریه را برخی از محققین، ترجیحاً ارائه داده اند. ۴۶

نقش حران دارای ویژگیهای نگارشی جداگانه ای است به مانند نقش کوه اسیس، از جهت خالی بودنش از نقطه های اعجام و علامات حرکات؛ به مانند تمامی نقوش عربی جاهلی و نیز از جهت حذف الف در وسط کلمات همچو: شرحیل / شرحیل، ظلموا / ظالم، بعم / بعم. و واو اضافی در اخر ظلمو مثل واو اضافی در اعلام نقش شماره است. همچنین (سنة) در این متن با تای کشیده آمده است.

نگارش عربی ای را که در نقوش عربی جاهلی به ویژه دو نقش اسیس و حران ملاحظه کردیم، نمونه تکامل یافته املائی عربی در شکل آغازینش را قبل از نگارش قرآن، به دست داده اند. تغییراتی که در کتابت عربی از آن پس رخ داد، تحولی اساسی و جوهری در شکل آن خط به وجود نیاورد. شایان گفتن است که ویژگی های نگارش عربی با ویژگیهای نگارش نبطی ارتباط دارد. خلیل یحیی نامی در آخر تحقیقاتش پیرامون خط عربی آورده «... روشن شد که نگارش عربی عبارت است از شکل تطور یافته نگارش نبطی. و آن خط مشخصات و ویژگی های این خط را داراست». ۴۷

مطلب دوم: نقوش دوره اسلامی

متون مکتوبی که به قرن اول هجری بازگردد زیادند اما آنچه مربوط به نیمه اول این قرن می شود کم است. کمی این متون در سال های اولیه تاریخ اسلام، امری عمومی و پذیرفته است اما متون مکتوبی که به دهه های اولیه آن قرن باز می گردد، دارای تنوع هستند؛ برخی بر روی پوست یا پاپیروس نگاشته شده و برخی بر روی درهم ها ضرب شده اند.^{۴۸}

هر پژوهشگری در مورد بسیاری از این متون با مشکلاتی روبروست. شاید کمترین مشکلات این متون مربوط به متون منقوش بر سنگ هاست، به ویژه آن هایی که دارای تاریخ اند. لذا دو مورد از این دست متون را برای بحثی که ما به آن پرداخته ایم، سودمندتر یافتیم زیرا آن ها قدیمی ترند و قرائت آن ها آسان و واضح و کلمات بیشتری در بردارند. این متون در شهرهای مختلف یافت شده اند؛ نقش اول از بلاد حجاز در سعودی و نقش دوم از عراق و اینک ارائه متون و تاریخ کشف آنها:

۱. نقش طائف:

کشف این نقش در سال ۱۹۴۸م به هنگام انجام حفاری در معادنی در منطقه ای نزدیک به طائف در حجاز به انجام رسید. انتشار و قرائت آن را مایلز در سال ۱۹۴۸ صورت داد. و برخی دیگر از محققین نیز به تحقیق در این نقش پرداختند. این نقش بر روی صخره ای از بقایای سدی قدیمی در نزدیک طائف که به دستور خلیفه اموی معاویه بن ابی سفیان ساخته شده بود قرار گرفته بوده و به سال ۵۸هـ تاریخ گذاری شده است. متن این نقش بدین قرار است.^{۴۹}

۱. هذا السد لعبد الله معوية

۲. امیر المؤمنین بنیه عبد الله بن صخر

۳. باذن الله لسنة ثمن و خمسين ا

۴. اللهم اغفر لعبد الله معوية ا

۵. امیر المؤمنین و ثبته و انصره و متع ا

۶. لمؤمنین به تب عمرو بن حباب

مایلز به هنگام انتشار اولیه این نقش گمان برد که کلمه ای در اول سطر ششم محو

شده است. کلمه مورد اشاره او (امیر) است و عبارت فوق را چنین تصور کرده: (ومتع / امیر / المؤمنین به). در حالی که هیچ دلیلی برای این تقدیر وجود ندارد چرا که متن کامل بوده و هیچ نیازی به تقدیر چیزی اضافه ندارد. زیرا ضمیر در (به) در سطر ششم به امیر المؤمنین باز می‌گردد و نه سدّ. یعنی کاتب خواسته بگوید: ومتّع المؤمنین بأمیر المؤمنین، یعنی بطول بقائه. ۵۰

این نقش از تمامی نقوش قبلی، متفاوت و متمایز است در اینکه تعدادی از حروف آن به نظر نقطه دار می‌رسند یعنی حروف (باء تاء یاء ثاء نون فاء و خاء) به زودی در مورد این مطلب سخن خواهیم گفت.

۲. نقش حفنة الابيض:

این نقش را سید عزالدین صندوق در سال ۱۹۴۹ م هنگامی که با گروه اداره آثار باستانی عراق به صحرای غربی رفته بودند کشف کرد. این نقش شبیه یاد بودی است که ثابت بن یزید اشعری در شوال سال ۶۴ هـ بر روی صخره ای که بالای دره وادی ابيض در منطقه ای به نام حفنة الابيض (غرب کربلا) واقع بوده نوشته است. ۵۱ من کلمات نقش بدین ترتیب است. ۵۲

۱. بسم الله الرحمن الرحيم

۲. الله اكبر كبيرا و ۱

۳. لحمد لله كثيرا و سبحن ۱

۴. لله بكرة واصيلا وليلا

۵. طويلا اللهم رب

۶. جبريل و ميكل و أسر

۷. فيل اغفر لثبت ين يزید

۸. الاشعري ما تقدم من

۹. ذنبه وما تأخر ولمن قال

۱۰. امين امين رب العلمين

۱۱. وكتبت هذا الكتب في

۱۲. شوال من سنة اربع و

۱۳. ستين

این نقش، حامل ویژگی های نقوش قبلی است به اضافه برخی پدیده های املائی منحصر به فرد که در مبحث بعدی به آن اشاره می کنیم. این جا فقط به وجود سه حرف نقطه دار (باء یاء ثاء) در سطرهای دوم و سوم اشاره می کنیم.

مبحث سوم

پدیده های املائی مشترک بین رسم الخط مصحف و نقوش قدیم عربی هدف ما در اینجا این نیست که تطور ظاهری حروف در نقوش جاهلی و اسلامی را بررسی کنیم بلکه هدف مان بررسی پدیده های املائی که در آن ها صورت نوشتاری با صورت گفتاری یکسان نیست و آن نقوش ها و این رسم الخط مصحف دارای چنین ویژگی های مشترکی هستند خواهد بود.

از این دست پدیده های مشترک به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

اول: فقدان اعراب و نقطه:

نقوش قدیم عربی (جاهلی و اسلامی) در فقدان علامت های حرکات سه گانه یعنی فتحه و ضمه و کسره و دیگر نشانه ها متمایز هستند. چنان که مصاحف اولیه نیز از این گونه علامات خالی بودند. خط عربی، این ویژگی را از منبع اصلی و قدیمی خود یعنی خط نبطی به ارث برده است. ۵۳ ابو عمرو دانی گفته: «عرب، اهل اعراب و نقطه گذاری نبوده است». ۵۴ اما علامات حرکات به کار رفته در مصاحف کنونی و در کتابت عربی در غیر مصاحف، مربوط به دوران بعد از نگارش مصاحف است. زیرا نوشتن بدون علامت و حرکت، قرائت صحیح را تعیین نمی کند.

بدین روی دانشمندان در بدو تاریخ اسلام به فکر اصلاح این نقیصه نگارشی افتادند. اولین کوشش در این راه را ابو الاسود دؤلی (ظالم بن عمروت ۶۷ یا ۶۸) در بصره نمود. او شیوه نقطه گذاری گرد و قرمز رنگ را برای نشان دادن حرکات ابتکار کرد. وی برای نشان

دادن فتحه، نقطه ای بالای حرف؛ برای کسره نقطه ای پائین حرف و برای ضمه نقطه ای در مقابل حرف قرار داد. به کارگیری این شیوه در مصاحف، به طور ویژه انجام می شد. ۵۵. دانشمند عربیت، خلیل ابن احمد فراهیدی بصری (ت ۱۷۰ هـ) به میدان آمده و به جای نقطه های گرد ابوالاسود، علامت های کوچکی از رنگ همان خط، ابداع کرد. برای نشان دادن فتحه، الفی کوچک و کج را در بالای حرف، برای کسره، یائی کوچک و کج را در زیر حرف و برای ضمه واوی کوچک بالای حرف قرار داد. ۵۶.

آنچه به این موضوع ارتباط دارد، نقطه های اعجمی است که بین حروف مشابه را در نگارش متمایز می کند. نقوش عربی ای که به ما قبل اسلام بر می گردد از نقطه های اعجم خالی است. خط عربی این پدیده را از خط نبطی اخذ کرده است. ۵۷. مصحف ها نیز از این نقطه ها خالی بوده اند. آنچه در منابع عربی آمده این است که نصر ابن عاصم لیثی بصری (ت ۹۰ هـ) حروف / مشابه / را نقطه گذاری کرده است. اما نقوش عربی اسلامی ای که به بخشی از روزگار نصر بن عاصم برمی گردد، در آنها برخی از حروف نقطه گذاری و معجم شده اند به ویژه در نقش سد طائف که به سال ۵۸ هـ تاریخ خورده است. اما در اصالت نقطه گذاری که در نگارش نقش سد طائف رخ داده شک وارد است. که برای تفصیل آن می بایست به منابع مربوطه مراجعه کرد. ۵۸.

دوم: حذف الف در وسط کلمه:

از پدیده های نگارشی شایع در رسم الخط مصحف، حذف الف وارده در وسط کلمه در بیشترین مواقع است. از جمله مثالهایی که در این ارتباط می توان بیان داشت چهار کلمه در سوره حمد است شامل: (الرحمن / الرحمان)، (العلمین / العالمین)، (ملک / مالک) و (الصراط / الصراط) و نمونه های زیادی که قبلا یادآور شدیم.

هنگامی که به نقوش عربی قدیم مراجعه می کنیم در خواهیم یافت که این پدیده، ویژه نگارش مصحف نبوده بلکه یکی از ویژگیهای نگارش عربی در آن وقت بوده است. حذف الف، یک پدیده نگارشی است که در نقوش عربی جاهلی شایع بوده مثل (ابرهیم = ابراهیم، الحارث = الحارث، سلیمان = سلیمان) در نقش کوه اسپس؛ و (شرحیل = شراحیل،

ظلمو = ظالم، بعم = بعام) در نقش حران .

اصل این پدیده به خط نبطی که خط عربی از آن زائیده شده باز می گردد . ۵۹ ولذا وجود این پدیده در نگارش مصحف، منحصر به فرد نبوده بلکه در نگارش عربی قبل از کتابت مصحف نیز موجود بوده است . و پس از آن در نوشته های قرن اول هجری شایع تر بوده است . و به صورت تدریجی تا به امروز ادامه یافته است . کلماتی که هم اکنون هم بدون الف نوشته می شوند مانند : الرحمن / الرحمان ، هذا / هاذا ، هذه / هاذه ، هؤلاء / هاؤلاء ، اله / الاله ، لکن / لکن ، اولئک / الائک ، ذلک / ذاک .

سوم : نوشتن تائیت :

از پدیده های نگارشی ای که رسم الخط مصحف را متمایز می کند ، نوشتن تائیت مونت به صورت تائ کشیده و هاء می باشد مثل (رحمت - رحمة ، نعمت - نعمة ، کلمت - کلمة) . در این جا نیازی نیست که پیرامون اصل علامت تائیت در عربی و علت نوشتن دوگانه آن بحث نماییم . کافی است اشاره کنیم که این پدیده در نگارش عربی قبل از رسم الخط مصحف متداول بوده است . چنانچه نقوش عربی قدیمی نیز بیانگر این مطلبند . مثلا در نقش نماره (مدینت = مدینه ، سنت = سنة) و در نقش کوه اسپس (سنت = سنة) آمده است و همچنین در نقش حران .

به نظر می رسد که نوشتن تائیت به صورت هاء ، ده ها سال قبل از اسلام شروع شده بوده است در نقش کوه اسپس کلمات (مغیره و مسلحة) به صورت ها آمده و کلمه (سنة) در همان نقش به صورت تا آمده است . این مطلب بیانگر روش نگارش مصحف در نوشتن این نوع از کلمات است . پدیده نگارش تائیت به صورت تائ کشیده ، تدریجا و به صورت پنهانی تا به امروز در خط عربی مشاهده می شود .

چهارم : جدا کردن حروف یک کلمه در آخر سطر و ما بعد آن :

از پدیده های نگارشی ای که در سه صفحه از مصاحف قدیمی ملاحظه کردیم ، تقطیع و جداسازی حروف کلمه ای است که در آخر سطر قرار می گیرد ، بدین قرار که بخشی از

کلمه در آخر سطر و بخشی دیگر در اول سطر بعدی نوشته می شود. چنان که در آخر سطر هشتم و اول سطر نهم کلمه (تبصر - ون) در صفحه اول مصحف بدین شیوه نوشته شده و نیز در سطرهای (۱۱ - ۱۲) و (۱۲ - ۱۳) و (۱۵ - ۱۶) همین پدیده را در دو صفحه دیگر نیز مشاهده می کنیم. پاره ای از علمای سابق نیز بر وجود این پدیده در مصاحف قدیم عثمانی تصریح کرده اند. ۶۰

از وجود این پدیده در نقوش سه گانه عربی جاهلی اثری نیست. اما این به معنی عدم وجود این پدیده در کتابت قبل از اسلام نخواهد بود زیرا سه نقش یاد شده، کوچک و دارای کلماتی اندک اند. اما نقوش عربی اسلامی هر یک از آنها بیش از یک مورد از این پدیده را دارا هستند. در نقش طائف، الف در کلمات مربوطه در آخر سطور سوم، چهارم و پنجم جدا شده است. و در نقش حفنة الابيض در آخر سطر دوم و سوم و ششم، این پدیده را ملاحظه می نماییم.

پنجم: نوشتن همزه:

نگارش همزه از موضوعات چندگانه در املاي عربی و در رسم الخط مصحف و غیره است. اما وجه غالب نوشتن همزه، تسهیل آن است. ۶۱ ما در این جا قصد ورود به جزئیات این موضوع را نداریم. صرفاً به این بسنده می کنیم که آنچه به صورت محدود در نقوش عربی قدیم از کلمات مهموز آمده، مؤید آمدن کلمات مهموز به صورت غیر قاعده در رسم الخط مصحف است. آنچه در نقش حفنة الابيض در سطر دوم آن آمده یعنی نوشتن همزه به صورت واو در (الله اکبر) نمایانگر زیادت واو در کلماتی از مصحف همچون (اولئك و ساوریکم) و مانند آن است. ۶۲

فرجام سخن

مجموع کلمات نقوش قدیم عربی افزون بر کلمات یک صفحه از مصحف نخواهند بود. زین روی، پدیده های املائی که در آن نقوش دارا هستند به نسبت پدیده هایی که در

رسم الخط مصحف می یابیم چیز کمی به حساب می آیند اما پدیده های املائی موجود در نقوش قدیم عربی با وجود قلت آنها راهنمای بزرگی در موضوعی که بدان پرداختیم خواهد بود. نیز تقویت کننده این مطلب اند که صحابه - رضوان الله علیهم اجمعین - قرآن را در مصحف با خط عربی متداول در زمان نزول قرآن، نگاشته اند و امکان ارائه این رأی را به ما می دهد که پدیده های املائی موجود در رسم الخط مصحف که در آن عدم مطابقت خط با گفتار مشاهده می شود از ویژگیهای نوشتاری عربی قبل از تدوین قرآن بوده است. رسم عثمانی با همه تنوع در گونه های زیاد نوشتاری، نمونه صادقی از خط عربی در نیمه اول قرن اول هجری را ارائه می دهد. زمانی که مردم تفاوت بین نوشتن مصحف و انواع دیگر نوشتن را، درنیافته بودند. این وضعیت ادامه یافت تا اینکه علمای عربی دان در بصره و کوفه رخ نمودند و ضوابطی را براساس مقیاس های نحوی و اصل صرفی برای نوشتار و خط بنا نهادند.

۱. این نوشتار برگردان مقاله ای است با مشخصات کتاب شناختی ذیل:
- موازنه بین رسم المصحف والنقوش العربیه القدیمه (بحث لغوی)، الدكتور غانم قدوری حمد، مجله المورد، المجلد ۱۵، العدد ۴، ۱۴۰۷هـ، ۱۹۸۶م.
۲. کتاب الكتاب / ۱۶.
۳. همع الهوامع / ۲ / ۲۴۳.
۴. همان.
۵. در مورد کتاب وحی ن. ک: ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب / ۱ / ۶۸؛ ابن حجر، فتح الباری / ۹ / ۲۲؛ نصر الهورینی، المطالع النصریه / ۱۳ - ۱۴.
۶. ابن عبد البر، الاستیعاب / ۱ / ۶۸.
۷. البخاری، الجامع الصحیح / ۶ / ۲۲۷.
۸. ابن ابی داود، کتاب المصاحف / ۳.
۹. ن. ک: احمد بن حنبل، المسند / ۱ / ۳۹۹ و ۴۹۸؛ المصاحف / ۳۱؛ ابو شامه، المرشد الوجیز / ۳۳؛ زرکشی، البرهان / ۱ / ۲۳۴؛ سیوطی، الاتقان / ۱ / ۱۷۲.
۱۰. جامع البیان / ۱ / ۲۸؛ الاتقان / ۱ / ۱۶۴.
۱۱. البسوی، المعرفه و التاريخ / ۱ / ۳۷۷؛ الصولی، ادب الكتاب / ۱۶۵؛ السمعانی، ادب الاملاء والاستملاء / ۷۷.
۱۲. ن. ک: خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه / ۱ / ۹۰.
۱۳. المرشد الوجیز / ۶۴.
۱۴. بنگرید به: البخاری، الجامع الصحیح / ۶ / ۸۹ و ۲۲۵ / ۶ و ۹ / ۹۲؛ کتاب المصاحف / ۶ - ۸؛ ابن الندیم، الفهرست / ۲۷؛ الدانی، المقنع /
- ۳؛ المرشد الوجیز / ۴۸؛ البرهان / ۱ / ۲۳۳؛ الاتقان / ۱ / ۱۶۵.
۱۵. الجامع الصحیح / ۶ / ۲۲۶؛ کتاب المصاحف / ۱۸ و ۴۹؛ ابن الاثیر، الکامل / ۳ / ۵۵؛ البرهان / ۱ / ۲۳۶؛ ابن خلدون، العبر / ۲ / ۱۰۱۹؛ الاتقان / ۱ / ۱۶۹.
۱۶. المقنع / ۹ - ۱۰.
۱۷. جهت اطلاع از اسامی این دانشمندان و تألیفات آنها ر. ل: رسم المصحف (از نگارنده) / ۱۶۹ - ۱۸۴.
۱۸. این کتاب سه بار به چاپ رسیده است. اول در سال ۱۹۳۲ به تصحیح اتوبرتزل در استانبول؛ چاپ دوم در دمشق به سال ۱۹۴۰ به تصحیح محمد احمد دهمان و چاپ سوم در قاهره به سال ۱۹۷۸ به تصحیح محمد صادق قمحاوی.
۱۹. تصحیح آنرا محیی الدین عبد الرحمن رمضان به انجام رسانیده و در مجله معهد المخطوطات العربیه فی القاهره، مجلد ۱۹، شماره اول (۱۹۷۳) به چاپ رسانیده است.
۲۰. این کتاب، خطی است و هم اکنون به تصحیح آن مشغولم.
۲۱. نگاه کنید به شماره ۱۹ پی نوشت.
۲۲. تا آن جا که مطلعم این کتاب به صورت خطی باقی مانده است. از آن نسخه ای در دارالکتب الظاهریه دمشق به شماره ۵۹۶۴ موجود است.
۲۳. ابن وثیق، رساله فی رسم المصحف (الاتقان / ۴ / ۱۴۷).
۲۴. ر. ک: المهدوی، هجاء مصاحف الامصار / ۹۹ - ۱۰۹؛ المقنع / ۱۰ - ۲۸.

۲۵. همان دو منبع / ۱۱۱-۱۱۲؛ ۳۰-۳۴.
۲۶. همان دو منبع / ۱۱۰؛ ۳۵.
۲۷. همان دو منبع / ۹۵؛ ۴۲-۴۵.
۲۸. همان دو منبع / ۹۹؛ ۵۳.
۲۹. همان دو منبع / ۹۷؛ ۴۷.
۳۰. همان دو منبع / ۸۶-۹۰؛ ۷۶؛ ۵۴، ۶۳، ۷۷.
۳۱. همان دو منبع / ۹۰-۹۴؛ ۵۱-۶۲.
۳۲. همان دو منبع / ۸۱-۸۶؛ ۶۸-۷۷.
۳۳. پیرامون این مقوله ر. ک: رسم المصحف: دراسة لغوية / ۲۳۷-۴۶۱.
۳۴. در مورد شرح مختصری از این مصحف ر. ک: رسم المصحف / ۱۹۴، پی نوشت ۱۴۲.
۳۵. الانبیاء، اسم سوره است و (مائه واحدی عشرة) اشاره به عدد آیات سوره دارد.
۳۶. همان/ ۱۹۲. پیرامون این پدیده ر. ک: رسم المصحف / ۳۹۵-۴۰۳.
۳۷. پاره ای از محققین برآنند که نبطی‌ها، قبائلی عربی بوده که در شمال جزیره العرب و جنوب بلاد شام در گردش بوده‌اند. حکومت خود را دو قرن قبل از میلاد پایه گذاری کرده و بترا را پایتخت خود تعیین کردند و حکومت آنها تا سال ۱۰۶ پس از میلاد ادامه یافت. نبطی‌ها خط آرامی را به کار می‌بردند و از آن خط، شکل تغییر یافته و ویژه ای درست کردند که بعدها به خط عربی تغییر یافت (رسم المصحف) از نگارنده / ۴۵-۴۷.
۳۸. از آثار ارزشمندی که به زبان عربی در این موضوع نگارش یافته‌اند به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:
- الف) اصل الخط العربی و تاریخ تطوره الی ما قبل
- الاسلام، دکتر خلیل یحیی نامی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مصر، مجلد ۳، چ ۱، سال ۱۹۳۵.
- ب) منشأ الخط العربی و تطوره لغایه عهد الخلفاء الراشدين، استاد مرحوم ناصر نقشبندی، مجله سومر مجلد ۳، چ ۱، سال ۱۹۴۷.
- ج) اصل الخط العربی و تطوره حتی نهاية العصر الاموی، از سهیلة یاسین الجبوری، چاپخانه الادیب البغدادیة، بغداد ۱۹۷۷.
۳۹. نقوشی که به بررسی آنها پرداخته‌ام شامل: کتیبه ام‌الجمال اول، کتیبه زید و کتیبه ام‌الجمال دوم است. برای آگاهی از آنها ر. ک: ناصر النقشبندی: منشأ الخط العربی و تطوره، مجله سومر مجلد ۳، ۱ / ۱۳۰-۱۳۳؛ جواد علی، تاریخ العرب قبل الاسلام، ۲۷۲/۷-۲۸۰.
۴۰. ن. ک: سهیلة الجبوری، اصل الخط العربی و تطوره / ۵۲-۵۳.
۴۱. در منابع عربی به وجود این متن پی نبرده‌ام. جز در کتاب (اصل الخط العربی و تطوره) اثر خانم سهیلة جبوری که در سال ۱۹۷۷ به چاپ رسیده است. دکتر رمزی بعلبکی در کتابش (الکتابة العربیة والسامیة) که در سال ۱۹۸۱ به چاپ رسیده از این متن یاد نکرده است.
۴۲. ر. ک: اصل الخط العربی / ۵۳.
۴۳. همان / ۵۳، پاورقی ۱۹ و ۲۰.
۴۴. ابن منظور، لسان العرب، ۳/۳۱۷، مدخل «سلح».
۴۵. ترجمه عبارات کتیبه این است: «من شراحیل بن ظالم، این کتیسه را در سال ۴۶۳ یک سال پس از جنگ و تخریب خیبر بنا کردم»

- (از: رمضان عبد التواب همان/ ٦٧) مترجم .
٤٦. ر. ك: منشأ الخط العربى / ١٢٣؛ تاريخ العرب ١/ ١٩٠ و ٧/ ٢٧٩؛ تاريخ الادب العربى ١/ ٧٢؛ الكتابة العربية والسامية / ١٥١-١٥٥.
٤٧. اصل الخط العربى / ١٠١.
٤٨. در مورد اين متون بنگريد به: حسن محمد الهوارى، اقدم اثر اسلامى، مجله الهلال المصرية، سال ٣٨ (١٩٣٠)، ١٠/ ١١٨١ - ١١٨٣؛ منشأ الخط العربى / ١٣٥ - ١٤٠؛ زاكه محمد رشدى، النقوش السامية (قسمت دوم)، مجله دانشكده ادبيات دانشگاه قاهره (١٩٦٧) مجلد ٢٩، ج ١ - ٢ / ٤٠ - ٥٦.
٤٩. در مورد اين كتيبه و منابع شناسايى آن ر. ك: كتاب رسم المصحف، غانم قدورى حمد / ٥٤٧-٥٤٩.
٥٠. همان / ٥٤٨.
٥١. ن. ك: عزالدين الصندوق، حجر حفنة الابيض، مجلة سومر ١٩٥٥ مجلد ١١، ج ٢، ص ٢١٣-٢١٧؛ رسم المصحف همان / ٥٤٩.
٥٢. دراسات فى تاريخ الخط العربى / ١٠٤-١٠٥.
٥٣. ن. ك: اصل الخط العربى / ١٤٧؛ الكتابة العربية والسامية / ٣٢١.
٥٤. المحكم / ١٧٦.
٥٥. ر. ك: همان / ٦-٧؛ ابن النديم، الفهرست / ٤٥.
٥٦. المحكم / ١٧٦.
٥٧. اصل الخط العربى و تاريخ تطوره / ٨٧ و ١٠.
٥٨. ن. ك: رسم المصحف / ٥٣٧-٥٥٥.
٥٩. ن. ك: اصل الخط العربى و تاريخ تطوره / ٨٨ و ١٠١؛ الكتابة العربية والسامية / ١٧٨-١٧٩.
٦٠. الفلقشندى، صبح الاعشى ٣ / ١٥١.
٦١. المحكم / ١٥١.
٦٢. رسم المصحف / ٣٨٦.